

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ اپریل ۲۰۱۸

پیام دیدار "شاهدخاقان عباسی" برای "باندارگ"

یکشنبه- ۱۹ حمل ۱۳۹۷ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که صدراعظم پاکستان "شاهد خاقان عباسی" حین مسافرت رسمی اش به افغانستان، ضمن دیدار با "غنی احمدزی" رئیس جمهور دولت نشاند و "عبدالمود" رئیس اجرائیه همان دولت با "گلبدین" که "منتظر الحکومة" است نیز دیدار نمود. این دیدار می تواند حاوی پیامی باشد، که نیلماً بدان پرداخته می شود:

۱- من به این نکته نمی پردازم که اگر احیاناً رئیس جمهور ایران در جریان یک سفر رسمی به افغانستان، شخصاً به دیدار حنا "محسنی" می رفت چه الم شنگه ای به راه انداخته می شد که دیدی نگفته بودم شیعه ها چنین است و چنان و چرا اینک تمام رسانه ها خفقان گرفته اند؛ حنا این را هم مثال نمی دهم که اگر در زمان شاه، "برژنیف" و یا "کاسیگین" در جریان یک سفر رسمی به دیدن "تره کی" و یا "ببرک" به خانه آنها می رفت و ملاقاتی به مفهم دیپلماتیک تعارفی می کرد، چه سروصدا به وجود می آمد و چگونه بحق آن را سند وابستگی و مزدور منشی "تره کی" و یا "ببرک" اعلام می کردند و چرا اینک کسی زبان باز نمی کند و نمی پرسد که مگر "گلبدین" چه کاره بوده که صدر اعظم پاکستان در جریان یک مسافرت رسمی به پایبوس وی می شتابد؛ این را هم نمی پرسیم که اگر مسافرت "شاهدخاقان" رسمی بوده و می بایست پروتوکولی بین طرفین جهت انجام مسافرت تدوین شده باشد کدام مقام و ظن فروش وزارت خارجه، ریاست اجرائیه و یا ارگ، به وی اجازه داده است تا چنین گلگشتی را در شهر کابل انجام داده، به دیدن "گل" خود و خار مغیلان برای مردم افغانستان برود؛ مسأله ای که من مطرح می سازم که وی با این دیدار و از طریق این دیدار چه می خواست بگوید و چه کسانی مخاطبش بود؟

۲- تاریخ افغانستان گواه است که از همان نخستین روز های همسایه شدن افغانستان با پدران معنوی "شاهد خاقان عباسی" ها، یعنی استعمار انگلیس، یکی از سیاست هائی که آنها جهت رام نگهداشتن طبقات حاکمه مزدور و خودفروش به کار بسته اند تشدید حس رقابت درونی بین خایان و آنها را آزمودن در یک مسابقه خیانت به وطن بوده است. استعمار همیشه به طرفین در عمل و شاید هم با گفتار چنین تفهیم نموده که "اگر تو نخواهی کاملاً و صد در صد با اهل و عیالت در خدمت قرار داشته باشی، رقیبت را بر تو برتری خواهم داد". این سیاستی بوده که باعث مسابقه خیانت بین "شاه شجاع" و "دوست محمد خان" شده، بین "شیرعلیخان" و "برادارنش" شده، بین "عبدالرحمان خان" و فرزندان "شیرعلی خان" شده، بین اولاده "عبدالرحمان خان" و "خاندان طلائی" شده، بین "تره کی" و "ببرک" شده،

بین "ببرک" و "نجیب" شده، بین "گلبدین" و "ربانی-مسعود" شده، بین "طالب" و دولت دست نشانده شده و اینک باز هم می خواهند با کارت "گلبدین" وارد میدان بازی بگردند.

۳- پیامی که دیدار با "گلبدین" با خود دارد بسیار روشن است؛ "اگر کس دیگری در افغانستان پیدا نشود که به ساز اسلام آباد برقصد، "گلبدین" با زنگ و جامن در میدان حاضر است".

۴- مخاطب این پیام هم کاملاً آشکار است: "باندارگ" در کل و جناح "عبدالمود" به صورت خاص. صدراعظم پاکستان با رفتن به دیدار "گلبدین"، عملاً به "جمعیت اسلامی" و تمام افراد وابسته و نزدیک به "عبدالمود" اعلام داشت: "هرگاه در خیانت با بخش "غنی-اتمر" همراهی نکنند و فیل شان برآستی یاد هندوستان کند، بر مهره "گلبدین" تکیه نموده با استفاده از شعار های خیابانانه "یون" همه را از دریای آمو خواهد گذرانید."

۵- این که طرف های مقابل تا چند اندازه معنای این سیاست عملی را دریافتند، مسأله ایست که در آینده روشن خواهد شد.

دیده شود چه می شود!!